

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه علامه طباطبائی  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق بشر

عنوان:

**حق بر آموزش کودکان دارای معلولیت ذهنی  
از منظر حقوق بین‌الملل بشر و حقوق ایران**

استاد راهنما: جناب آقای دکتر رضا اسلامی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر سید قاسم زمانی

دانشجو: فائزه امجدیان

تابستان ۱۳۹۱

تقدیم بہ:

پدر و مادر م بہ پاس تمام مہربانی ہا نشان

9

ہم سہرم کہ ہونش بہار زندکیم را بی پایان نمود.

تقدیرنامه:

نگارنده بر خود واجب می‌داند تا از زحمات بی‌دریغ دو استاد فرهیخته تشکر نماید:

دکتر رضا اسلامی استاد محترم راهما و دکتر سید قاسم زمانی استاد محترم مشاور که از راهنمایی‌ها،

مشورت‌ها و همراهی‌هایشان نهایت بهره‌بردم.

## چکیده:

حق بر آموزش امروزه به عنوان یکی از مهمترین حق‌های بشری در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است. با وجود این شمول این حق بر کودکان دارای معلولیت‌های ذهنی همواره با برخی ابهامات و تردیدها مواجهه بوده است و بسیاری از دولت‌ها به بهانه‌های مختلف از بار تعهدات خود نسبت به آموزش کودکان دارای معلولیت‌های ذهنی شانه خالی می‌نمایند. این در حالی است که آموزش به عنوان زیربنای سازنده درک و فهم بشر از جمله حقوق است که نه تنها خود به تنهایی و فی‌نفسه از جمله مهم‌ترین حق‌های بشر تلقی می‌گردد بلکه به عنوان مجرای شناخت و درک سایر حق‌های بشر و اعمال بهتر آنها نیز تلقی می‌گردد، بنابراین نمی‌توان به بهانه‌هایی نظیر توانایی کم کودکان دارای معلولیت‌های ذهنی، آموزش‌پذیری، کمبود امکانات و ... این کودکان را از یک حق اساسی و مسلم محروم نمود. آموزش کودکان دارای معلولیت‌های ذهنی، ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر به فردی دارند که همواره می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. از جمله این خصوصیات و ویژگی‌ها استفاده از امکانات و وسایل خاص آموزشی و معلمین و مربیان متخصص و توجه به دو اصل مهم توانبخشی و عادی‌سازی می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** حق بر آموزش، کودکان دارای معلولیت‌های ذهنی، عادی‌سازی و توانبخشی

## فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه
مقدمه.....	۱
فصل اول: مبانی نظری حق بر آموزش کودکان دارای معلولیت ذهنی.....	۶
گفتار نخست: مفهوم حق بر آموزش.....	۶
مبحث اول: تعریف آموزش.....	۶
مبحث دوم: فرآیند تثبیت حق بر آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر.....	۱۱
گفتار دوم: مفهوم کودک دارای معلولیت ذهنی.....	۱۹
مبحث اول: تعریف کودک دارای معلولیت ذهنی.....	۱۹
الف- مفهوم کودک از منظر حقوق بین الملل بشر و حقوق ایران.....	۱۹
ب- تعریف معلولیت ذهنی.....	۲۲
مبحث دوم- طبقه‌بندی کودکان دارای معلولیت ذهنی.....	۲۴
الف- کودکان دارای معلولیت‌های ذهنی خفیف یا کم استعداد.....	۲۵
ب- کودکان دارای معلولیت‌های ذهنی متوسط.....	۲۶
ج- کودکان دارای معلولیت‌های ذهنی شدید.....	۲۷
د- کودکان دارای معلولیت‌های ذهنی عمیق.....	۲۷
گفتار سوم: پایه‌های حق بر آموزش کودکان دارای معلولیت ذهنی.....	۲۸
مبحث اول: عدم تبعیض.....	۲۹
مبحث دوم: تبعیض مثبت.....	۳۴
فصل دوم: زمینه‌های دستیابی کودکان دارای معلولیت ذهنی به حقوق آموزشی.....	۳۹
گفتار نخست: عادی‌سازی حضور افراد دارای معلولیت ذهنی در اجتماع.....	۳۹
مبحث اول: عادی‌سازی حضور کودکان دارای معلولیت ذهنی در محیط‌های آموزشی.....	۴۰

الف- مفهوم عادی سازی .....	۴۰
ب- مؤسسات نگهداری از افراد دارای معلولیت ذهنی .....	۴۲
ج- مدارس کودکان دارای معلولیت ذهنی .....	۴۳
مبحث دوم: تأثیر تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی بر عادی سازی .....	۴۶
الف- تأثیر تکنولوژی .....	۴۶
ب- تأثیر وسایل ارتباط جمعی .....	۴۸
<b>گفتار دوم: حق بهره‌مندی کودکان دارای معلولیت ذهنی از خدمات توانبخشی و آموزشی .....</b>	<b>۵۱</b>
مبحث اول: حق بهره‌مندی از خدمات توانبخشی .....	۵۱
الف- مفهوم توانبخشی .....	۵۱
ب- توانبخشی مبتنی بر جامعه .....	۵۳
۱- معیار برنامه‌های توانبخشی مبتنی بر جامعه .....	۵۶
۲- برنامه‌های توانبخشی مبتنی بر جامعه برای کودکان دارای معلولیت ذهنی .....	۵۷
۳- بخش‌های مرتبط با توسعه و اجرای توانبخشی مبتنی بر جامعه .....	۵۷
مبحث دوم: حق بهره‌مندی از خدمات آموزشی .....	۵۹
الف- ایجاد فرصت‌های برابر برای همه .....	۶۰
ب- آموزش‌های ویژه و حرفه ای .....	۶۲
۱- آموزش ویژه .....	۶۲
۲- آموزش حرفه ای .....	۶۳
<b>فصل سوم: الزامات و خلاءهای حقوقی حق بر آموزش کودکان دارای معلولیت ذهنی .....</b>	<b>۶۶</b>
<b>گفتار اول: الزامات حقوقی در نظام حقوق بین‌الملل بشر و حقوق ایران .....</b>	<b>۶۶</b>
مبحث نخست: اجباری بودن آموزش کودکان دارای معلولیت ذهنی .....	۶۶
مبحث دوم: رایگان بودن آموزش کودکان دارای معلولیت ذهنی .....	۷۴
<b>گفتار دوم: خلاءهای حقوقی حق بر آموزش کودکان دارای معلولیت ذهنی .....</b>	<b>۷۶</b>

مبحث اول: فقدان سند حقوقی خاص در زمینه آموزش کودکان دارای معلولیت ذهنی.....	۷۶
مبحث دوم: فقدان قواعد حقوقی الزام‌کننده دولت‌ها در برقراری نظام آموزشی خاص.....	۸۰
الف - فقدان قاعده حقوقی الزام‌کننده دولت‌ها به برقراری آموزش‌های خاص.....	۸۰
ب - فقدان قاعده حقوقی در خصوص الزام دولت‌ها به تربیت مربیان ویژه.....	۸۲
ج - فقدان قاعده حقوقی در خصوص الزام دولت‌ها به ایجاد مراکز آموزشی خاص.....	۸۳
نتیجه‌گیری.....	۸۵
فهرست منابع.....	۸۸



## مقدمه

امروزه اگرچه برخورداری افراد دارای معلولیت از حق‌های بشری امری بدیهی و پذیرفته شده است، لیکن هنوز هم تردیدهایی در زمینه برخی از حق‌ها ملاحظه می‌گردد. این تردیدها بیشتر نشأت گرفته از وضعیت خاص افراد دارای معلولیت و فقدان برخی ویژگی و توانایی‌های اشخاص عادی در آنها است. به عبارت دیگر بهره‌مندی و استیفای برخی حقوق، مستلزم وجود توانمندی و قابلیت استفاده از آن حق در افراد است. لذا در شرایطی که فردی قابلیت بهره‌مندی از یک حق را ندارد و یا توانمندی او در بهره‌مندی از آن حق اندک است، این سؤال مطرح می‌گردد که آیا اساساً این حق برای آن فرد وجود دارد؟

مسئله برخورداری معلولین از حق بر آموزش می‌تواند محل ایجاد سؤال فوق باشد. به این معنی که برخی افراد دارای معلولیت به دلیل پاره‌ای نارسایی‌ها و نواقص امکان یادگیری و تعلم را ندارند و یا قابلیت یادگیری و تعلم در آنها اندک است. این موضوع در خصوص افراد دارای معلولیت ذهنی نمود بیشتری دارد. زیرا ناتوانی یا کم توانی معلولین جسمی فی نفسه مانع یادگیری و تعلم آنها نیست و چه بسا معلولین جسمی به لحاظ استعداد و هوش، همسطح و یا حتی بالاتر از افراد عادی باشند، لیکن نوع معلولیتی که معلولین ذهنی از آن رنج می‌برند لزوماً منجر به کاهش توانایی‌ها و امکان یادگیری این دسته از ابنای بشر می‌گردد و از همین جاست که این سؤال پیش می‌آید که آیا اساساً معلولین ذهنی از حق بر آموزش برخوردارند؟ از همین رو است که مسأله حق بر آموزش معلولین ذهنی، همواره دست‌خوش ابهام و تردیدهای فراوان بوده است و در مقطعی از تاریخ، قابلیت آموزش و یادگیری در متعلم و مربی، یکی از ارکان و لوازم تعلق این حق برای افراد تلقی می‌شد. با اینحال علی‌رغم حاکمیت دیدگاه فوق در برهه‌ای از تاریخ بشر که نتیجتاً محرومیت کودکان دارای معلولیت ذهنی از آموزش و تحصیل را به همراه داشته است، امروزه این رویکرد متروک و مهجور مانده و کمتر کسی است که حق بر آموزش را برای کودکان دارای معلولیت ذهنی به رسمیت نشناسد. در عرصه نظام بین‌المللی حقوق بشر همه افراد، صرف نظر از هرگونه موقعیت و جایگاهی که دارند به صورت عام و یا خاص مورد حمایت اسناد بین‌المللی حقوق بشر هستند. در این میان افراد دارای معلولیت به دلیل وضعیت و شرایط خاصی که دارند، همواره بیش از دیگران در معرض محرومیت و نقض حقوق خود قرار گرفته‌اند. فلذا نیاز به

توجه و حمایت بیشتری دارند. معلولین ذهنی به دلایل گوناگون مبتلا به نارسایی و یا تأخیر در رشد قوای ذهنی و روانی خود هستند و برای ادامه زندگی نیازمند حمایت دیگران می‌باشند، لیکن اکثر آنها آموزش پذیر می‌باشند و از طرفی این افراد به دلیل اینکه واجد شخصیت انسانی هستند، همانند سایر انسان‌ها مشمول قواعد عام حقوق بشر بوده و بالطبع از حقوق آموزشی نیز برخوردارند. لیکن همانگونه که ذکر شد، وضعیت خاص آنها ایجاب می‌نماید که علاوه بر اسناد عامی که همه انسان‌ها را تحت شمول خود قرار می‌دهند، در مقررات خاص نیز حقوق این افراد مورد شناسایی و تصریح قرار گیرد، تا جایی که تردیدها و ابهامات در این خصوص کاهش یافته و یا از بین برود. بنابراین می‌توان گفت وجود اسناد خاص مذکور نقش مهمی در روند توسعه و نهایتاً برقراری عدالت اجتماعی ایفا می‌نماید. اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر در موارد مختلف بطور صریح یا ضمنی مسأله حق آموزش معلولین را مورد شناسایی قرار داده اند، لیکن به نظر می‌رسد که در این زمینه کماکان خلاءهایی وجود دارد که نیازمند توجه بیشترند. همچنین در حقوق داخلی نیز برخی قوانین و مقررات در این زمینه ملاحظه می‌گردند که متأسفانه تاکنون ابعاد حقوقی آنها مورد بررسی و مذاکره قرار نگرفته است.

لذا در این پایان نامه تلاش می‌شود ضمن بررسی و تحلیل حق بر آموزش برای کودکان دارای معلولیت ذهنی و تبیین اسناد و مقررات خاص و عام بین‌المللی و قوانین داخلی در این زمینه، خلاءها و کمبودهای موجود نیز مورد شناسایی قرار گیرد.

## ۱- سؤالات تحقیق

### الف- سؤال اصلی:

آیا حق بر آموزش برای کودکان دارای معلولیت ذهنی در نظام بین‌المللی حقوق بشر و حقوق داخلی به رسمیت شناخته شده و راهکارهای لازم برای استیفای آن پیش بینی شده است؟

### ب- سؤالات فرعی:

۱- الزامات و خلاءهای حقوقی موجود در عرصه بین‌الملل و حقوق داخلی در ارتباط با حق آموزش کودکان دارای معلولیت ذهنی چه می‌باشد؟

۲- آیا تسهیلات و امکانات پیش بینی شده در قوانین ایران برای استیفای کودکان دارای معلولیت ذهنی از

حق آموزش کافی است؟

## ۲- فرضیه‌ها

### الف- فرضیه اصلی:

با توجه به پیش بینی حق بر آموزش برای همه انبای بشر در اسناد عام حقوق بشری و با توجه به اینکه افراد دارای معلولیت ذهنی از شخصیت انسانی برخوردار می‌باشند، به نظر می‌رسد، حق بر آموزش برای این افراد، حداقل به طور ضمنی به رسمیت شناخته شده است.

### ب- فرضیه‌های فرعی:

۱- الزامات نظام بین‌الملل حقوق بشر در ارتباط با حق آموزش کودکان دارای معلولیت ذهنی منطبق با استانداردهای آموزشی می‌باشد لیکن در این زمینه از کمبودها و خلاءهایی نیز رنج می‌برد.

۲- با توجه به استانداردهای جهانی آموزش کودکان دارای معلولیت ذهنی، به نظر می‌رسد تسهیلات و امکانات پیش بینی شده در قوانین ایران، برای استیفای کامل این حق کافی نمی‌باشد.

## ۳- پیشینه تحقیق

بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که اگرچه مباحث مربوط به حقوق افراد دارای معلولیت در مقالات و کتاب‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته، لیکن مباحث مربوط به حق آموزش کودکان دارای معلولیت ذهنی، فاقد سابقه پژوهش به صورت کتاب یا پایان نامه است. با اینحال از میان کتاب‌ها و مقالاتی که تا حدودی مرتبط با موضوع مورد بحث است می‌توان به کتاب خانم نگار نباتی با عنوان «حمایت از اشخاص دارای معلولیت در نظام بین‌المللی حقوق بشر» و مقاله آقایان علی رضایی و مصطفی‌السان با عنوان «حقوق آموزشی کودکان دارای معلولیت در ایران، ضرورت هماهنگی با تحولات بین‌المللی» که در شماره ۱۳ مجله پژوهش‌های حقوقی به چاپ رسیده، اشاره نمود.

## ۴- اهداف تحقیق

با توجه به اینکه آموزش کودکان دارای معلولیت ذهنی از جمله اساسی‌ترین حق‌های این دسته از افراد به شمار می‌رود و برخورداری از حق آموزش برای آنها به نوعی با حق حیات ایشان ملازمه می‌یابد، در این تحقیق تلاش بر این است تا با بررسی جنبه‌های مختلف آموزش این افراد و با ملاحظه قواعد و مقررات داخلی و

بین‌المللی، مطالبی جامع و مفید در زمینه ماهیت و چگونگی این حق و خلاءهای موجود در این زمینه ارائه گردد.

## ۵- روش شناسی تحقیق

روش تحقیق در این پایان نامه به شکل توصیفی و تحلیلی است.

## ۶- مفاهیم کلیدی

۶-۱- کودک دارای معلولیت ذهنی: کودکی است که به دلایل مختلف دچار نارسایی در قوای ذهنی و دماغی خود می‌باشد.

۶-۲- حق بر آموزش: حقی است که به موجب آن، تمام ابنای بشر می‌توانند از امکان تعلم و یادگیری بهره مند گردند.

۶-۳- توانبخشی: قادر ساختن فرد دارای معلولیت به منظور دستیابی و به حداکثر رساند سطح عملکرد فیزیکی ذهنی می‌باشد.

۶-۴- برابر سازی فرصت‌ها: روندی است که در طی آن سیستم‌های مختلف آموزشی مثل سرویس‌ها، اطلاعات و مستندات، بدون مانع و مانند سایر انسان‌ها در اختیار افراد دارای معلولیت ذهنی قرار گیرد.

## ۷- مشکلات و تنگناهای تحقیق

۱- فقدان سابقه پژوهش.

۲- فقدان منبع مستقل تحقیق.

## ۸- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تطبیقی و مقایسه‌ای استفاده می‌گردد.

## ۹- سازمان دهی تحقیق

تحقیق و تفحص پیرامون حق بر آموزش کودکان دارای معلولیت ذهنی، مستلزم شناختی گسترده از مبانی نظری این حق و آشنایی با معلولیت ذهنی و کودک دارای معلولیت ذهنی است. به عبارت دیگر بدون شناخت کودک دارای معلولیت ذهنی و نیز مبانی و ماهیت حق بر آموزش کودک دارای معلولیت ذهنی، نمی‌توان به درک و تحلیل صحیح از قوانین و مقررات مربوطه دست یافت. همچنین برخورداری کودکان دارای معلولیت ذهنی از حقوق آموزشی مستلزم فراهم شدن پاره‌ای شرایط و لوازم است. بر همین اساس این تحقیق شامل سه فصل می‌باشد. در فصل اول مبانی نظری و ماهیت حق بر آموزش کودکان دارای معلولیت ذهنی مورد

بحث و بررسی قرار گرفته است. در فصل دوم به زمینه‌های لازم برای دستیابی کودکان دارای معلولیت ذهنی به حقوق آموزشی پرداخته شده و فصل سوم نیز به بررسی الزامات و خلاءهای موجود در نظام بین‌المللی حقوق بشر و قوانین ایران در زمینه حق بر آموزش کودکان دارای معلولیت ذهنی، اختصاص داده شده است.

## فصل اول:

### مبانی نظری حق بر آموزش کودکان دارای معلولیت ذهنی

پیش از بررسی قوانین و مقررات مربوط به حق آموزش کودکان دارای معلولیت ذهنی، لازم است به درک صحیح از مفهوم حق بر آموزش، مفهوم معلولیت ذهنی و انواع آن، مفهوم کودک دارای معلولیت ذهنی و نیز ماهیت و چگونگی حق بر آموزش کودکان دارای معلولیت ذهنی نائل آمد. لذا در این فصل طی سه گفتار به بررسی مسائل پیش گفته خواهیم پرداخت.

#### گفتار نخست: مفهوم حق بر آموزش

حق بر آموزش امروزه به قلمرو اساسی ترین حق‌های بشر وارد شده است. تا جایی که این حق در اسناد بین المللی حقوق بشر جایگاه و منزلتی رفیع یافته است.<sup>۱</sup> با اینحال به منظور شناسایی صحیح این حق و جایگاه آن در میان سایر حقوق انسان‌ها، بررسی مفهوم آموزش و ملاحظه جایگاه آن در اسناد بین المللی لازم و ضروری به نظر می‌رسد. لذا در این گفتار در دو مبحث مجزی به بررسی مسائل پیش گفته می‌پردازیم.

#### مبحث اول: تعریف آموزش

تاکنون صاحب‌نظران و اندیشمندان تعاریف مختلفی از آموزش ارائه داده اند و این مفهوم نیز مانند اکثر مفاهیم علوم انسانی از یک تعریف واحد و مورد اتفاق برخوردار نیست. لغت نامه و بستر واژه آموزش<sup>۲</sup> را به این شرح تعریف نموده است: «عمل یا پروسه انتقال دانش، مهارت، توانش یا عموماً صفات پسندیده رفتاری با شخص یا مانند آن که به طور خاص به وسیله یک دوره رسمی آموزش یا تعلیم صورت می‌پذیرد».<sup>۳</sup>

از تعاریف لغوی واژه آموزش در زبان انگلیسی و فارسی چنین برمی‌آید که این مفهوم در کنه خود، تربیت و

---

1- Claude.R.and Weston, B, **Human Rights in the World Community: Issues and Action**, University of Pensilvania Press, 2006, P.211.

2- Education.

3-Websters Third New International Dictionary, 1976.

پرورش را نیز دربر می‌گیرد.<sup>۴</sup> در واقع آموزش نه تنها فرآیند انتقال مفاهیم ذهنی و انتزاعی، که تربیت صحیح و آموزش شیوه‌های عملی برای بهتر زیستن و تکامل انسان را نیز دربر می‌گیرد. بنابر تعریف سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) «تمام کنش‌ها و اثرات و راه‌ها و روش‌هایی که برای رشد و تکامل و توانایی‌های مغزی و معرفتی و همچنین مهارت‌ها و نگرش‌ها و رفتار انسان به کار می‌روند، البته به طریقی که شخصیت را تا ممکن ترین حد آن تعالی بخشند، تعلیم و تربیت یا آموزش و پرورش ...» هستند.<sup>۵</sup>

چنین کنش‌هایی از بدو تولد تا واپسین دم حیات همراه انسان است. از این رو آموزش یک فرآیند پیوسته است که تداوم آن تمامی ابعاد حیات انسان را دربر می‌گیرد. لذا زمان و مکان مشخصی برای آموزش وجود ندارد و می‌توان گفت، آموزش جزئی از زندگی و از آن جدایی ناپذیر است.<sup>۶</sup>

در تعریفی دیگر گفته شده است: «آموزش به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که به وسیله آن یک گروه انسانی به نسل‌هایش، دانش، مهارت و قواعد اخلاقی که آن گروه را قادر به زیستن می‌نماید، منتقل می‌کند.»<sup>۷</sup> البته یکی از مهمترین مفاهیمی که در فرآیند آموزشی به نسل‌های بعدی منتقل می‌گردد، ارزش‌ها و آرمان‌های گروه‌های انسانی است که در تعریف فوق مغفول مانده است.

از منظر کنوانسیون منع تبعیض در آموزش یونسکو نیز آموزش همه ی انواع و سطوح آموزشی را دربر می‌گیرد و شامل دسترسی به آموزش، استانداردها و کیفیت و شرایطی است که آموزش در آن ارائه می‌گردد.<sup>۸</sup> البته آن چه که در زبان انگلیسی " education " نامیده می‌شود در فارسی آموزش و پرورش نام دارد. بنابراین از آنجا که «حق بر آموزش» در زبان انگلیسی معادل " Right to education " است، در کنه خود «حق بر پرورش» را نیز دربر می‌گیرد.

---

4- Mimagdalen Sepulveda, **The Nature of Obligations under the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights**, Intersentia nv, 2003, pp. 365- 366.

۵- صفوی، امان اله، **کلیات روش‌ها و فنون تدریس**، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۱۱.

6- <http://farahmand.blogfa.com>

7- Dierter Beiter, Klaus, **The Protection of Right to Education by International Law; Including a Systematic Analysis of Article 13 of the International Covenant of Economic Social and Cultural Rights**, Martinus Nijhoff Publisher, 2006, p. 27.

۸- امیر ارجمند، اردشیر، **مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر**، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۱۵۷.

گفته شده است که پرورش به منزله ی دگرگونی‌های مطلوبی است که به وسیله مربی در متریب ایجاد می‌گردد که در پی آن زمینه لازم برای بهبود تمدن و تربیت جامعه فردا فراهم می‌گردد. تربیت نه تنها قادر به پرورش نیروهای خلاقه ی هر یک از افراد جامعه است، بلکه می‌تواند انسان را به عالی ترین مراحل تکامل نیز برساند، به کمک تربیت است که یک انسان و یک جامعه بدوی را می‌توان به انسان و جامعه‌ای متمدن مبدل ساخت و دگرگونی‌های قابل توجهی در آنها به وجود آورد.<sup>۹</sup>

در تعریفی دیگر پرورش و تربیت، عمل عمدی فردی بالغ و رشید فرض شده است که هدف از آن تسهیل رشد در فردی است که فاقد ولی قابل آن می‌باشد. تعلیم و تربیت عملاً به معنی تأثیر گذاشتن است و این تأثیر باید تکامل موجود را تسریع نماید.<sup>۱۰</sup>

از مجموع تعاریف پیش گفته می‌توان اینچنین نتیجه گرفت که آموزش به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که به وسیله آن، دانش، مهارت، آرمان‌های اخلاقی و اجتماعی از یک گروه بشری که واجد آنها است با هدف تعالی مادی و معنوی به گروه دیگری که فاقد آن می‌باشد منتقل می‌گردد.<sup>۱۱</sup>

همانگونه که از این تعریف برمی آید هدف آموزش تعالی مادی و معنوی انسان است. البته آموزش نباید به گونه‌ای باشد که قدرت خلاقیت و آزادی انسان را از وی سلب نماید و به اصطلاح او را دست آموز کند.<sup>۱۲</sup> «وظیفه معلم مراقبت در بهره برداری از فرصت‌ها به نحو احسن است. از آنجا که آزادی عبارت است از به کار بستن مشاهده و قضاوت هوشیارانه‌ای که از طریق آنها هدفی به وجود آید، راهنمایی‌های معلم به دانش آموزان در به کار بستن عقل خود کمک به آزادی است نه اعمال محدودیتی بر آن».<sup>۱۳</sup>

در اکثر تعاریف و مفاهیم گفته شده، توانایی و امکان یادگیری در متعلم و متریب، مفروض انگاشته شده است.

---

۹- رهنما، آذر، **مقدمات اصول آموزش و پرورش**، تهران، پیوند، چاپ دوم، ۱۳۵۶، ص ۱۶۶.

۱۰- شکوهی، غلامحسین، **تعلیم و تربیت و مراحل آن**، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۴، ص ۶.

11- See also: Hart, Stuart (eds), **Children Right to Education**, Jessica King sley publishers, 2009.

۱۲- شکوهی، غلامحسین، **مبانی و اصول آموزش و پرورش**، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ هشتم، ۱۳۷۵، صص ۱۰۰-۱۰۱.

۱۳- دیویی، جان، **تجربه و آموزش و پرورش**، ترجمه سیداکبر میرحسینی، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۶۹، صص ۸۴ - ۸۳.



بدین معنی که آموزش و تربیت تنها نسبت به انسان‌های عادی یعنی آنهایی که توانایی و امکان کامل و البته بالقوه یادگیری و تربیت را دارند تعریف شده است؛ تا جایی که یکی از اندیشمندان بزرگ علوم تربیتی و آموزشی، تربیت را عمل عمدی فرد رشید برای تسهیل رشد در فردی دانسته است که فاقد ولی قابل آن است.<sup>۱۴</sup>

این تعریف دایره محدودی از انسان‌ها را دربر می‌گیرد و جامع تمامی افراد بشری نمی‌باشد. زیرا همانگونه که خواهیم دید دسته‌ای از افراد انسانی به دلیل نقص و کاستی که در وجودشان قرار دارد، به صورت کامل امکان یادگیری و تعلم را ندارند. این دسته از افراد که دارای معلولیت‌های جسمی یا ذهنی هستند از قابلیت و امکان محدودتری برای یادگیری، نسبت به سایر انسان‌ها برخوردارند و اساساً گروهی از افراد دارای معلولیت ذهنی به هیچ عنوان قادر به یادگیری و تعلم نیستند. حال آنکه حق بر آموزش در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حتی قوانین داخلی برای آنها نیز شناسایی شده است.<sup>۱۵</sup> به همین دلیل در تعریف برگزیده‌ی ارائه شده، آموزش به انتقال دانش، مهارت و آرمان‌های اخلاقی و اجتماعی به گروه بشری که فاقد آن هستند، تعبیر شده است. آموزش و پرورش استثنایی، به جنبه‌هایی از تعلیم و تربیت گفته می‌شود که جنبه استثنایی (ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی) و فوق‌العاده در آن رعایت شده باشد. به عنوان مثال کودکی که به دلیل مشکلات ذهنی، نارسایی‌هایی در تکلم دارد، علاوه بر اینکه دروس عمومی را در کلاس‌های عادی همراه با سایر دانش‌آموزان می‌آموزد، در اصلاح و رفع نارسایی خود در صحبت کردن، نیاز به برنامه آموزشی ویژه‌ای دارد و این نیاز می‌بایست توسط یک معلم متخصص و تحت برنامه‌ای فوق‌العاده (استثنایی) تأمین گردد.<sup>۱۶</sup> بنابر این آموزش و پرورش کودکان استثنایی برنامه‌ای نیست که کاملاً با برنامه‌های عادی آموزشی و پرورشی متفاوت باشد بلکه لازم است به منظور تأمین حداکثر نیازهای آموزشی و پرورشی آنها، تغییراتی در شیوه‌های عادی و مرسوم آموزشی مدارس و خانواده‌ها داده شود.<sup>۱۷</sup>

---

۱۴- شکوهی، تعلیم و تربیت و مراحل آن، پیشین.

۱۵- ر.ک: کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶.

۱۶- بشر دوست تجلی، فریبا، «آموزش و پرورش کودکان استثنایی»، روزنامه آفرینش، شماره ۳۵۵۳، تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۰، ص ۱۳.

17-http://www.blog.behzistitehran.org.ir/%08%Az%D9%85. see also: I.pinatel, **Anormalite Mentale et Criminalite**, P. 46, in les Delinquants Anormaux.

مقدار و نوع آموزش و پرورش ویژه‌ای که کودکان عقب مانده ذهنی به آن نیازمندند، بسته به عوامل متعددی از جمله درجه، میزان و چگونگی تفاوتی است که آن کودک با کودکان هم سال خود در توانایی‌ها و استعدادها و رشد طبیعی دارد. هرچه میزان تفاوت و اختلاف بیشتر باشد نیاز به آموزش و پرورش استثنایی بیشتر است.<sup>۱۸</sup>

همچنین عدم تعادل و هماهنگی بین جنبه‌های مختلف رشد در خود کودک و نیز تأثیری که ویژگی ذهنی کودک، بر جنبه‌های مختلف کارآیی و بروز استعدادهای وی می‌گذارد، از عوامل مهم تعیین چگونگی برنامه‌های آموزش و پرورش استثنایی می‌باشد.

بنابراین آموزش و پرورش کودکان استثنایی باید به گونه‌ای باشد که بتواند این نیازها را پوشش دهد و بدین منظور در برخی مقاطع نیازمند ابزارها و روش‌های خاص آموزشی است.

البته باید توجه داشت که کودک استثنایی کودکی است که سطح توانمندی‌های او از همسالان عادی وی از نظر هوشی و جسمی به میزان قابل توجهی پایین تر است به نحوی که نمی‌تواند از برنامه‌های عادی آموزشی استفاده مطلوب را ببرد.<sup>۱۹</sup>

بنابراین نمی‌توان هر کودکی را که از بهره هوشی پایین تری نسبت به برخی همسالان خود برخوردار است، استثنایی نامید و او را مشمول برنامه‌های ویژه آموزشی دانست. چرا که انسان‌های عادی نیز به لحاظ بهره هوشی در سطوح مختلف و متفاوتی قرار دارند.<sup>۲۰</sup>

در واقع در کودکان استثنایی، واکنش‌ها، ویژگی‌های خاصی در پی دارند. این کودکان نمی‌توانند به طور کامل بر رفتار خود کنترل داشته باشند، بنابراین اهمیت آموزش و پرورش برای آنها بسیار بیشتر از کودکان عادی است. از همین رو است که آموزش کودکان استثنایی در اکثر مواقع نیازمند برنامه‌ها و ابزار ویژه و استثنایی می‌باشد.<sup>۲۱</sup>

---

۱۸- بشردوست تجلی، پیشین.

۱۹- پی‌هالاها، دانیال، کافمن، جیمز. ام، کودکان استثنایی مقدمه‌ای بر آموزش‌های ویژه، ترجمه مجتبی سوادیان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ هشتم، ۱۳۸۳، ص ۳۳.

20- See: Ancel, M, **Introduction Comparative**, pp.11-23 et 28 in *Les Delinquants and Maux Mentaux*; **op cit**. Dans le Meme Sens: H.et Mazeauld et A. Tune, **Op. cit**, n462.

۲۱- مراد زاده، حسن، **حقوق و تکالیف اشخاص دارای معلولیت در نظام مسئولیت مدنی**، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۵۷.

آموزش‌های ویژه را می‌توان از طریق برنامه‌های مختلف و متفاوتی انجام داد. نوع برنامه به میزان درجه و خصوصیتی بستگی دارد که کودک را از کودکان عادی متفاوت می‌سازد. برنامه‌های ویژه آموزشی صرفاً باید در مواردی به کار گرفته شود که امکان یادگیری مطلب موردنظر از طریق آموزش عادی امکان پذیر نباشد. در واقع لازم است که در به کارگیری ابزارها و برنامه‌های ویژه ی آموزشی برای کودکان استثنایی به حداقل ممکن اکتفا نمود و تا سرحد توان از همان برنامه‌های عادی آموزشی، آن هم در کنار سایر همسالان برای آموزش و یادگیری کودکان استثنایی بهره برد. این امر از جهات متعددی دارای اهمیت است. زیرا از یک طرف حضور کودکان دارای معلولیت در جمع دیگر کودکان، باعث می‌شود که کودکان استثنایی از همان دوران کودکی وارد اجتماع شده، با همسالان خود مراوده داشته و آموزش‌های لازم را همپای آنان فرا گیرند و از طرف دیگر کودکان عادی نیز از همان دوران با مقوله معلولیت و معلول آشنا شده و طرز رفتار و برخورد با این کودکان برای آنها عادی می‌شود. بنابراین باید همواره قبل از به کارگیری روش‌ها و ابزارهای ویژه و استثنایی آموزشی، روش‌ها و برنامه‌های عادی از جمله کلاس‌ها و معلمین عادی برای آموزش و پرورش کودکان استثنایی به کار گرفته شوند<sup>۲۲</sup> و این کار یکی از حقوق آموزشی کودکان دارای معلولیت است.

### **مبحث دوم: فرآیند تثبیت حق بر آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر**

امروزه آموزش به عنوان زیربنای سازنده فهم و درک انسان و محرک اصلی تکامل و پیشرفت جامعه، از چنان اهمیتی برخوردار شده است که رسیدن به آن یا حداقل فراهم بودن امکانات لازم و عدم مانع خارجی برای رسیدن به آن از جمله حقوق بنیادین انسان‌ها تلقی شده و در اسناد مهم بین‌المللی و منطقه‌ای مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است.

در واقع امکان اندیشیدن و تکامل یافتن بزرگترین امتیاز انسان نسبت به سایر جانداران محسوب می‌گردد که این امکان بالقوه از طریق آموزش و یادگیری به فعلیت درآمده و تحت شرایطی منجر به تکامل و تعالی انسان می‌گردد. بنابراین، می‌توان گفت که امروزه هیچ جامعه انسانی وجود ندارد که اهمیت و محوریت آموزش را رد کند و با استفاده از قواعد حقوقی «حق بر آن» را تضمین ننماید.

---

۲۲- نباتی، نگار، اشخاص دارای معلولیت در نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲.

آموزش نه تنها سازنده زیربنای درک و فهم انسانی محسوب می‌گردد، بلکه مجرای تعیین و بهره‌مندی از سایر حقوق انسان‌ها از جمله حق آزادی اندیشه و بیان و مذهب نیز به حساب می‌آید.<sup>۲۳</sup> تا جایی که می‌توان گفت شناسایی و بهره‌مندی و استفاده کامل از سایر حق‌های بشری، معلق بر بهره‌مندی انسان از حق بر آموزش است. به عبارت بهتر حق بر آموزش تضمین‌کننده شناسایی و در برخی مواقع برخورداری از سایر حق‌های بشری تلقی می‌گردد.<sup>۲۴</sup> البته در گذشته‌های نه‌چندان دور دسترسی به آموزش فقط برای ثروتمندان، اشراف و یا فرزندان رهبران مذهبی امکان‌پذیر بود.<sup>۲۵</sup> اما به مرور زمان و با روشن شدن اهمیت آموزش در بهبود شرایط زندگی و نیز با تأکید برخی از ادیان بر اهمیت آموزش این انحصار از بین رفت.<sup>۲۶</sup> با اینحال تا پیش از قرن هجدهم، آموزش به مفهوم امروزی شکل نگرفته و یاد دادن بیشتر بر عهده‌ی والدین و برخی نهادهای مذهبی بود، با انقلاب فرانسه و آمریکا، آموزش، کارکرد عمومی یافت. در واقع به زعم انقلابیون آموزش عمومی یکی از مشخصه‌های اصلی برابرخواهی<sup>۲۷</sup> به‌عنوان شالوده و اساس انقلاب‌ها تلقی می‌گردید. با اینحال، اسنادی که بنیان‌های حقوق بشر معاصر را شکل می‌دهند، مانند اعلامیه حقوق انگلستان ۱۶۸۹، اعلامیه استقلال آمریکا ۱۷۷۶ و اعلامیه حقوق بشر فرانسه ۱۷۸۹، حق آموزش را مورد اشاره قرار نداده‌اند. چرا که در این دوران، ذهن انقلابیون بیش از هر چیز بر روی حقوق مدنی و سیاسی متمرکز بوده است. در این زمان مسأله اساسی و مهم، تأکید بر آزادی‌های فردی و رهایی از انقیاد دولت‌ها بود و به همین دلیل است که حق‌هایی نظیر رهایی از بازداشت خودسرانه، آزادی بیان، آزادی مذهب، حق حیات و امنیت شخصی، برابری و حق انتخاب در مرکز توجه قرار گرفتند. لذا در چنین شرایطی، شناسایی آموزش به مثابه یک حق

---

۲۳- نیاورانی، صابر، «منزلت «حق بر آموزش» در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، **تحقیقات حقوقی**، شماره ۵۲، پاییز و زمستان ۸۹، ص ۳۸۵.

۲۴- بدیهی است که قبل از آموزش انسان، نمی‌توان او را با سایر حق‌هایش آشنا نمود. همچنین بهره‌مندی از برخی حقوق دیگر بدون آموزش میسر نمی‌گردد.

۲۵- دورانت، ویل، **تاریخ فلسفه**، ترجمه عباس زریاب‌خویی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۴، ص ۴۱.

۲۶- نیاورانی، پیشین، ص ۳۸۴.

27-Egalitarian.